



رساله کارشناسی ارشد جامعه شناسی

موضوع پایان نامه

تحلیل جامعه شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران (۱۳۸۴، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶)

نگارنده:

استاد راهنما:

استاد مشاور:

۱۴۰۰

تقدیر و تشکر

تقدیم به

چکیده

فهرست

فصل اول

کلیات طرح تحقیق

تحلیل جامعه شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران (۱۳۸۴، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶)

۱-۱ طرح مسئله

موضوع تحقیق حاضر تحلیل جامعه شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی است. خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت خود قربانی است که می بایست چنان نتیجه ای به بار آورد. (دورکیم، ۱۳۷۸)

۶. خودکشی یکی از پدیده های اجتماعی جدی امروز است، که دلایل متعدد و پیچیده ای دارد، لازم است سرنخ های آن به خوبی به اطلاع مردم و خانواده ها و مسئولین برسد. (استنگل، ۱۳۴۷: ۵۴). این پدیده اجتماعی در نگاه اول امری فردی به نظر می رسد، ولی در نظر بسیاری از صاحب نظران علوم اجتماعی، امری اجتماعی است که برای بررسی عوامل مرتبط با آن باید به پدیده های اجتماعی دیگری رجوع کرد. میانگین خودکشی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۴٫۱ در ایران است. در حالی که میانگین جهانی ۱۲ نفر به ازای هر صد هزار نفر است. این در حالی است که میزان متوفیات مشکوک به خودکشی بر حسب جمعیت (به ازای هر صد هزار نفر) در سال ۱۳۹۳ نشان می دهد که استان ایلام با ۱۸٫۶، کرمانشاه با ۱۷، لرستان با ۱۱٫۲ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر بیشترین آمار خودکشی بر حسب جمعیت را داشته اند و خراسان جنوبی با ۲٫۴، سیستان و بلوچستان با ۱٫۸ و سمنان با ۲٫۱ و یزد به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر کمترین میزان خودکشی را داشته اند، همچنین میزان متوفیات مشکوک به خودکشی در بازه زمانی ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۳ در برخی از نواحی کشور دارای رشد قابل توجهی بوده است به طوری که در استان یزد از ۲۳ نفر به ۳۹ نفر در سال ۱۳۹۳ رسید، یعنی رشدی ۶۹ درصدی داشته است و در همان سال با داشتن سرمایه اجتماعی ۲۷، جز سه استان با کم ترین میزان سرمایه اجتماعی بوده است، در استان ایلام نیز از ۸۳ نفر به ۱۰۷ نفر و کرمانشاه از ۲۶۴ نفر به ۳۳۴ نفر افزایش پیدا کرده است، یعنی به ترتیب دارای رشد ۲۸٫۶ و ۲۶٫۵ بوده است، همچنین استان های ایلام، لرستان، کرمانشاه در طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ پای ثابت بیشترین میزان خودکشی کشور است (سالنامه آماری، ۱۳۹۳). از لحاظ سرمایه اجتماعی ایلام که بیشترین میزان خودکشی در سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ دارای وضعیت خوبی نبوده است، به طوری که ایلام با داشتن سرمایه اجتماعی ۳۰ و ۲۵ در سال های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و همچنین با داشتن سرمایه اجتماعی ۲۶ در سال ۱۳۹۳ در رده ۲۷ کشور قرار گرفت، لرستان نیز دارای وضعیت مشابهی با ایلام است، در جدول رتبه بندی سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۱، کم ترین امتیازات مربوط به سرمایه اجتماعی مربوط به استان های ایلام با ۱/۳۴، کهگیلویه و بویراحمد با ۵۹۳، و کرمانشاه نیز ۶۱۰ است و همین سه استان بیشترین میزان خودکشی رخ داده است. بر این اساس میانگین میزان خودکشی در استان های که دارای بیشترین خودکشی است، حدود سه برابر میانگین کشوری است که مساله این پژوهش را شکل داده است و باعث شده محقق درصد تبیین علل و عوامل موثر بر این پدیده برآیند. سرمایه اجتماعی کشور در سال های مورد بررسی یعنی ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ پایین تر از حد متوسط یعنی عدد (۳) قرار دارند. لذا تحقیق حاضر سعی دارد تا با بهره گیری از مفهوم سرمایه اجتماعی و یافته های پژوهشی موجود، به تبیین پدیده خودکشی در استان های کشور ایران بپردازد.

۱-۲- سوال پژوهش

۱. سرمایه اجتماعی چه تاثیری بر خودکشی در بین استان های ایران دارد؟

۲. تفاوت پذیری با توجه به سرمایه اجتماعی میان میزان خودکشی در استان های (ایلام، لرستان، کرمانشاه، همدان) با بیشترین خودکشی و استان های (خراسان جنوبی، سمنان و سیستان و بلوچستان، یزد) که دارای کم ترین میزان خودکشی می باشند، چگونه قابل تبیین است؟

۱-۲- هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ است.

فصل دوم

ادبیات تجربی و نظری پژوهش

در این فصل ابتدا پیشینه تجربی پژوهش و تحقیقات مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس با مطالعه تئوری‌هایی در خصوص خودکشی و سرمایه اجتماعی، سعی می‌کنیم راه حلی نظری برای مسئله بیابیم. به این منظور ابتدا به مطالعه پیشینه تجربی و سپس پیشینه تئوریک موضوع پرداخته و سپس از دل آن‌ها دستگاه نظری پژوهش را استخراج می‌کنیم. آن‌گاه فرضیات پژوهش را ارائه می‌دهیم.

۱-۲- پیشینه تجربی پژوهش

صلاح‌الدین و همکاران در تحقیقی با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی پدیده خودکشی در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ براساس آمار و داده‌های کلان‌کشوری است. افزایش ۱۷ درصدی خودکشی در سال ۱۳۸۹ در مقایسه با سال ۱۳۸۸ و افزایش ۵ درصدی در سال ۱۳۹۳ در مقایسه با سال ۱۳۹۲ بیانگر رشد خودکشی در این بازه زمانی است. با توجه به روند افزایشی خودکشی طی این دوره، پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل آمارهای موجود، به دنبال تبیین عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر خودکشی در این بازه زمانی بوده است. نتایج نشان داد که متغیرهای مستقل ۸۲/۶ درصد از واریانس نرخ خودکشی در ایران را تبیین می‌کنند که در این بین، تأثیر فشار اجتماعی (مبتنی بر نظریه اگنیو) بیشتر از همبستگی اجتماعی است. عامل فشار اجتماعی (طلاق، ضرب و جرح و توهین) منجر به افزایش خودکشی شده است. یافته اساسی دیگر پژوهش مبتنی بر نظریه همبستگی (مبتنی

بر نظریه دورکیم) بود. در این پژوهش بر دو بعد همبستگی اجتماعی (بعد اجتماعی و بعد اقتصادی) تأکید شده است. در بعد اقتصادی، یافته‌ها نشان داد هر اندازه، طی سال‌های مورد مطالعه، نرخ مشارکت اقتصادی افزایش یافته است، تعداد خودکشی‌ها کاهش داشته‌اند و برعکس افزایش خودکشی با کاهش مشارکت اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری همراه بوده است. در واقع، مشارکت اقتصادی و رهایی از بیکاری به نوعی سبب ادغام فرد در زندگی اجتماعی می‌شود. مقایسه بین استان‌های مختلف نشان داد که رضایت بیشتر از زندگی، افزایش عرق ملی و اعتماد عمومی بیشتر به نوعی علقه‌های اجتماعی فرد را گسترش می‌دهد و احساس تعلق و همبستگی فرد به جامعه افزایش می‌یابد. رابطه متغیر تضاد نقش‌ها که صرفاً برای زنان آزمون شده بود با میزان خودکشی زنان تأیید نشد، گرچه که رابطه بین آنها معکوس است. بر این اساس به نظر می‌رسد برای زنان مشارکت اجتماعی و اقتصادی دارای اهمیت بیشتری از سنگینی نقش است.

نقدی که بر این پژوهش وارد است، داده‌های سرمایه اجتماعی آن به صورت ملی نیست و به سه سطح سرمایه اجتماعی خرد، میانه و کلان بی‌توجه بوده است، همچنین در این پژوهش میزان متوفیات خودکشی را در نظر نگرفته است، بلکه توجه اش معطوف به تعداد پرونده‌های خودکشی است.

در تحقیق دیگر، احمدی و همکاران به منظور بررسی رابطه بین خودکشی و سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور در سال ۱۳۷۹ از روش تحلیل ثانوی استفاده کرده است. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داده که متغیرهای سرمایه اجتماعی تعمیم یافته ساختاری (میزان شرکت در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه) و سرمایه اجتماعی نهادی ساختاری (میزان شرکت در انتخابات) با خودکشی رابطه منفی دارند، ولی دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی کلی با خودکشی رابطه معناداری ندارد.

نقدی که نیز بر این پژوهش وارد است، به سه سطح سرمایه اجتماعی یعنی خرد، میانه و کلان بی‌توجه بوده است، در این تحقیق نیز به صورت رابطه سنجی و همبستگی بوده و بحث علیت نیز بی‌توجه بوده است.

در تحقیقی چلیبی و مبارکی (۱۳۸۴)، با هدف بررسی و شناسایی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم پرداخت. این مطالعه از دو قسمت مجزا تشکیل شده است: قسمت اول، پیمایشی است در بین ۳۲۰ نفر از افراد عادی بالای ۱۸ سال شهر تهران و مجرمان زندان‌های اوین، رجایی شهر و ورامین. قسمت دوم، تحقیق در سطح بین‌المللی و به صورت تحلیل ثانویه بوده و مقطع زمانی خاص (۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹) را شامل می‌شود. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره، رگرسیون لوجستیک و مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد بین سرمایه اجتماعی و جرم (خودکشی) رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

نقدی که بر این تحقیق وارد است، به صورت مستقیم خود خودکشی را مورد بررسی قرار نداده است، بلکه خودکشی را به عنوان مصداقی از جرم در نظر گرفته است، همچنین داد‌های آن در سطح ملی جمع‌آوری نشده‌اند.

در تحقیقی موسوی و افضلی (۱۳۹۵)، با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با الگوی آنومیک زنان نجات یافته شهر همدان پرداختند. ۱۲۰ نفر از بین زنان ۱۵ تا ۴۵ سال خودکشی بستری بخش مسمومیت بیمارستان فرشچیان سینا همدان در طول سه ماه به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده بودند. یافته‌های تحقیق نشان ارتباط منفی و معنی دار سرمایه اجتماعی با الگوی خودکشی آنومیک وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد ابعاد سرمایه اجتماعی ۷۲ درصد از واریانس نمرات تمایل به خودکشی آنومیک در زنان را پیش‌بینی می‌کنند. از بین ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد، ارتباط، مشارکت، حمایت) شاخص حمایت اجتماعی تمایل به خودکشی آنومیک در زنان را پیش‌بینی می‌کند.

موسوی در این تحقیق افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند را مورد بررسی قرار داده است، به میزان متوفیات مشکوک به خودکشی بی توجه بوده است و همچنین از داده های ملی سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف، کلان، میانه و خرد در پژوهش خود استفاده نکرده است.

در تحقیق علیوری نیا و همکاران (۱۳۹۰)، با هدف بررسی جامعه شناختی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه به خودکشی پرداخته است. برای نیل به این منظور، از روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه رازی کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ تشکیل داد هم اند، که در مجموع ۳۸۰ نفر از آنها به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای چند مرحله ای متناسب انتخاب شده اند. چهارچوب نظری تحقیق بر نظریه خودکشی دورکیم استوار است. و متغیر های مستقل مدل تحلیلی که در پی تبیین متغیر وابسته (میزان گرایش به خودکشی) بوده، شامل حمایت اجتماعی، نظارت خانواده، رفتار بزهکارانه، تقدیرگرایی و انومی بوده است. نتایج تحقیق نشان می دهد، به طور کلی، مهمترین پیش بینی کننده های تغییرات میزان گرایش به خودکشی پاسخگویان به ترتیب متغیرهای حمایت اجتماعی (-۰,۴۵)، رفتار بزهکارانه (۰,۳۲)، نظارت خانواده (۰,۳۱) و تقدیرگرایی (۰,۲۵) بوده است. به لحاظ تاثیر مستقیم، متغیر رفتار بزهکارانه (۰,۳۲) بیشترین تاثیر را داشته است. همچنین، حمایت اجتماعی از طریق تاثیر بر رفتار بزهکارانه، تاثیر غیرمستقیم بالایی بر روی گرایش به خودکشی داشته است.

نقدی که بر این پژوهش وجود دارد، تنها یک بعد از سرمایه اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. در این تحقیق افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند را مورد بررسی قرار داده است، به میزان متوفیات مشکوک به خودکشی بی توجه بوده است.

در تحقیق معیدفر و حسینیان (۱۳۸۹)، با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اقدام به خودکشی در بین جوانان کردستان پرداختند. در این پژوهش از روش پیمایشی و پرسشنامه برای گرد آوری اطلاعات استفاده شده است. در این تحقیق با ۱۲۸ نفر از افراد زیر ۲۵ سال که در فاصله بین سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ اقدام به خودکشی کرده اما موفق به آن نبوده اند، مصاحبه شده است. نتایج بدست آمده حاصل از تحلیل نتایج نشان می دهد که احساس انتظام اجتماعی شدید در بین زنان و احساس نابسامانی اجتماعی در بین مردان عامل اصلی خودکشی جوانان در کردستان بوده اند.

کاهش و فرسایش سرمایه اجتماعی افراد در ابعاد مختلف آن می تواند منجر به افزایش نرخ خودکشی به ویژه در بین زنان شود. پژوهش ها در سالهای اخیر از سویی کاهش میزان سرمایه اجتماعی در استان همدان و از سویی دیگر افزایش نرخ خودکشی به ویژه در بین زنان را نشان دادند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بالگوی آنومیک زنان نجات یافته شهر همدان است. در چهارچوب نظری تحقیق از نظریه های سرمایه اجتماعی دورکیم، نظریه فشار، برکمن و کاواچی، کاکس، فوکویاما و نظریه الگوهای خودکشی دورکیم استفاده کرده است. ۱۲۰ نفر از بین زنان ۱۵ تا ۴۵ سال خودکشی بستر بستر بخش مسمومیت بیمارستان فرشچیان سیناهمدان در طول سه ماه به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. یافته های پژوهش ارتباط منفی و معنی دار سرمایه اجتماعی و ابعاد آن را (اعتماد، ارتباط، مشارکت و حمایت) بالگوی خودکشی آنومیک با- = ۵۸۳/۰ (۲) نشان داد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد ابعاد سرمایه اجتماعی ۷۲ درصد از واریانس نمرات تمایل به خودکشی آنومیک در زنان را پیش بینی می کنند. از بین ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد، ارتباط، مشارکت، حمایت) شاخص حمایت اجتماعی تمایل به خودکشی آنومیک در زنان را پیش بینی می کند

به این ترتیب می توان گفت پژوهش های پیشین تا حدی به تحقیق کمک می کند. اما در عین حال موضوع اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ است با استفاده از داده های ملی سرمایه اجتماعی است که در هیچ یک از پژوهش های پیشین یافت نشده است، از این لحاظ می تواند جنبه نوآورانه داشته باشد.

۲-۲ پیشینه تئوریک پژوهش

نظریات مختلفی در طول زمان سعی بر آن داشته اند تا به تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و کج رفتاری (خودکشی) بپردازند. این نظریات به روش های مختلفی سعی بر آن داشته اند از مفهوم سرمایه اجتماعی با یکی از معرف های آن برای تبیین خودکشی استفاده کنند. اکثریت صاحب نظران علوم اجتماعی نظریات در این باره را به دسته تقسیم می کنند. اولین دسته نظریاتی هستند که به سرمایه اجتماعی مثبت و سازنده تاکید دارند. گروه دوم، مربوط به نظریاتی هستند که به سرمایه اجتماعی منفی و مخرب توجه نشان می دهند و دسته سوم این نظریات، بر هر دو بعد سرمایه اجتماعی مثبت و منفی متمرکز هستند (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۰). که در این تحقیق بر دسته سوم تاکید می شود، در ادامه به برخی از مهم ترین این نظریات اشاره می شود. مفهوم سرمایه اجتماعی که به تازگی در نوشته ای مربوط به علوم اجتماعی وارد شده است، به طور خلاصه، شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها و روابط و هنجارهایی است که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می دهند. این مفهوم به دلیل محتوایی که دارد، از این پتانسیل برخوردار است که در تحلیل های نظری در حوزه های مختلف به کار گرفته شود. یکی از آن حوزه ها، حوزه آسیب های اجتماعی است. امروزه، ماهیت پیچیده آسیب های اجتماعی ایجاب می کند تا در برخورد و شناخت با تجدید و تکمیل نظریات موجود، با اتکا به یافته های نوین، دایره شناخت خود را گسترده تر سازیم. از این منظر، سرمایه اجتماعی به مثابه ابزاری اساسی قابلیت و کارایی فراوانی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات، از جمله آسیب های اجتماعی همانند خودکشی را دارد. چنانکه از آن می توان به مثابه راه حل مشکلات اجتماعی نام برد. بنابراین، در صورتی که عناصر این مفهوم به خوبی بررسی و در قالبی منسجم مدون شود، قادر است به خوبی در شناخت و تحلیل آسیب ها مؤثر واقع شده و راهکارهای مناسبی در بحث پیشگیری در اختیارمان قرار دهد.

دورکیم

دورکیم به عنوان اولین فردی که به بررسی تجربی خودکشی پرداخت، در کتاب «خودکشی بیان» می کند که میزان خودکشی با همبستگی اجتماعی، همبستگی دارد. به عبارت دیگر، هر چه همبستگی اجتماعی افزایش یابد، میزان خودکشی کاهش می یابد. امروزه صاحب نظران علوم اجتماعی معتقدند که مفهوم یگانگی اجتماعی و چسبندگی اجتماعی دورکیم با مفهوم نوین تر سرمایه اجتماعی همخوانی دارد و بیان می کنند که در اصل، کتاب خودکشی دورکیم در مورد بررسی تاثیرات سرمایه اجتماعی بر خودکشی است. بنابراین در نظر دورکیم، هرچه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، میزان خودکشی نیز کاهش می یابد. این جمله دورکیم بیان واضحی از این موضوع است که « عامل اصلی و عمده ای که به زندگی ما معنا و هدف می بخشد، حدود تعلق و ارتباط ما با دیگران است. در این صورت که زندگی ارزش پیدا می کند و اگر چنین نباشد هر چیزی ممکن است دستاویزی برای خلاص شدن از شر زندگی شود» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). این جامعه شناس معتقد است که هر کدام از انواع مختلف خودکشی ها به نوعی با انسجام و همبستگی اجتماعی ارتباط دارد. معمولاً در هر جامعه ای ارزش ها و هنجارها شامل اعتقادات، باورها، آداب و رسوم، سنن،

شیوه‌های قومی، قوانین و مقررات و عرف هستند. وقتی که در جامعه ارزش‌ها و هنجارها قوی باشند و برای افراد جامعه رعایت آن‌ها اهمیت داشته باشد، جامعه از همبستگی و انسجام اجتماعی بالا و مطلوبی برخوردار خواهد بود. به نوعی می‌توان گفت؛ افراد جامعه در اینجور جوامع آرام‌تر و باشناخت‌تر و عقلانی‌تر هستند. اما گاهی وضعیتی پیش می‌آید که برای برخی از افراد یا در مواقعی برای اکثریت افراد جامعه آن ارزش‌ها و هنجارها بی‌اهمیت و غیرقابل قبول می‌شوند و در نتیجه به آن‌ها عمل نمی‌شود.

دورکیم خودکشی را امری اجتماعی می‌داند که برای تبیین آن باید به پدیده‌های اجتماعی دیگر نگریست. دورکیم انواع زیر را در باب خودکشی تشخیص می‌دهد:

۱. خودکشی خود خواهانه: این نوع خودکشی را باید در پرتو همبستگی‌های موجود میان میزان خودکشی و چارچوب‌های ادغام اجتماعی تحلیل کرد. این چهارچوب‌ها عبارتند از: اجتماع مذهبی، اجتماع نظام سیاسی و نظام خانوادگی. وی خصیصه مشترک این اجتماعی را در یکپارچگی آنها می‌داند و معتقد است که میزان خودکشی در جهت عکس میزان یکپارچگی گروه‌های اجتماعی تغییر می‌کند. بدین معنا که هر اندازه گروه‌هایی که فرد به آن‌ها وابسته است، ضعیف و ناتوان شوند، فرد به آنها کمتر وابستگی می‌یابد و در نتیجه به خود وابسته می‌شود و تنها قواعد رفتاری که بر مبنای منافع شخصی‌اش استوار باشد می‌پذیرد و افراد از وظایف خود در برابر جامعه با توسل به مرگ طفره می‌روند. وی این خودکشی را بدین سبب خودخواهانه می‌داند، زیرا بر فردگرایی افراطی تاکید دارد (دورکیم، ۱۳۷۸: ۲۴۱).

۲. خودکشی دگر دوستانه: این نوع خودکشی در نظر دورکیم نتیجه محول کامل فرد در گروه است. زمانی که فرد از جامعه گسسته می‌شود، مقاومت کمتری در برابر خودکشی از خود بروز می‌دهد و به همان ترتیب زمانی که فرد در وحدت کامل با جامعه‌اش قرار گیرد نیز می‌تواند به آسانی خود را بکشد (همان، ۲۵۱).

۳. خودکشی ناشی از بی‌هنجاری اجتماعی: این نوع خودکشی بیش از همه مورد توجه دورکیم قرار دارد؛ زیرا نمود بارزترین خصیصه جامعه جدید است. این نوع خودکشی به سبب شرایط هستی در جوامع جدید دامنگیر افراد می‌شود. در این جوامع، هستی اجتماعی تحت انتظام عادت قرار ندارند، افراد دائماً با هم در حال رقابتند، انتظار آنان از هستی بسیار زیاد است و در نتیجه دائماً در رنج ناشی از بی‌تناسبی موجود میان تمایلات و خشنودی‌ها خود هستند. این فضای پر از نگرانی برای توسعه جریان خودکشی را مناسب است (آرون، ۱۳۷۷: ۳۸۳). در نظر او، این نوع خودکشی در زمان‌های بحران‌های اقتصادی، آشوب‌های اجتماعی و زمانی که تعداد طلاق‌ها افزایش یابد روی می‌دهد. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد آشکار گردد، افراد احساس می‌کنند هیچ‌گونه ملاکی در انتخاب‌های خود ندارند؛ در نتیجه، حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود، در نظر دورکیم، آنومی به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می‌شود که در آن، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر فرد از دست بدهد. در چنین شرایطی، افراد دیگر برای اقتدار اخلاقی جامعه احترام قائل نیستند. بنابراین، افراد دچار احساس تشویش، سردرگمی و فقدان راهنمای اخلاقی می‌شود. تقاضاها و خواهش‌های مادی آنها بی‌حساب و کتاب افزایش می‌یابد و خودخواهی‌ها بر آن‌ها غلبه می‌یابد. شرایط نابسامانی که مستعد بی‌نظمی، جرم و انحراف است، همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد آشکار گردد، افراد احساس می‌کنند هیچ‌گونه ملاکی در انتخاب‌های خود ندارند؛ در نتیجه، حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود (اسلامی بناب، ۱۳۸۸: ۴۶). در نظر دورکیم، پیامدهای آنومی در شکل نوعی نابسامانی فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگر خواه او متجلی می‌شود؛ نتیجه این تعارض این است که خواسته‌های وجدان جمعی، کارآیی خود را از دست می‌دهد. تضعیف فشارهای جمعی نیز موجب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند و دست به خودکشی بزنند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۴۳۰-۳۲۹). به عبارتی می‌

توان گفت در این خودکشی، زمانی که ارزش‌ها و هنجارها ضعیف شده و اهمیت خود را نزد اکثریت افراد جامعه از دست می‌دهند، در این حالت جامعه دچار حالت بی‌هنجاری یا آنومیک شده و افراد دچار نوعی هرج و مرج اجتماعی شده‌اند که دیگر چیزی وجود ندارد آنان را به دیگران وصل کند. در این میان برخی مستعد عمل تأسف‌بار خودکشی می‌شوند. این نوع خودکشی، آنومیک است که دورکیم تاکید بسیاری بر این نوع خودکشی دارد. معمولاً در جوامع در حال گذر که همبستگی اجتماعی در آنها به شدت ضعیف شده است، دچار وضعیت آنومیک یا بی‌هنجاری و بی‌ریشگی هنجاری می‌شوند و نه تنها در آن جوامع شاهد افزایش خودکشی هستیم بلکه شاهد افزایش انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی دیگر هم می‌شویم. در این نوع خودکشی، هرگاه نظارتی که جامعه بر رفتارها و هنجارها دارد ضعیف یا حذف شود، حالت بی‌هنجاری یا نابسامانی در جامعه به وجود می‌آید. بی‌هنجاری از تضعیف وجدان اخلاقی ناشی می‌شود و عموماً با بحران‌های بزرگ اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی همراه است. خودکشی ناشی از بی‌هنجاری را کسانی مرتکب می‌شوند که وابستگی آن‌ها با جامعه دچار آشفتگی است و در نتیجه از معیارهای رفتاری مرسوم محروم گردیده‌اند.

۴. خودکشی قدر گرایی: این نوع خودکشی در مقابل خودکشی ناشی از بی‌هنجاری اجتماعی قرار می‌گیرد. این نوع از خودکشی در نتیجه افراط در نظم و قاعده به وقوع می‌پیوندد (دورکیم، ۱۳۷۸: ۳۳۱).

در این تحقیق، نظریه دورکیم به عنوان نظریه اصلی تبیین‌کننده رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در نظر گرفته می‌شود و از میان خودکشی‌ها آن، خودکشی آنومیک تاکید می‌شود، زیرا در این نوع خودکشی سرمایه اجتماعی و خودکشی رابطه معکوس دارند. افراد ممکن است هدف‌های دست‌نیافتنی را انتخاب کنند و برای آمال و آرزوهایشان حد و حدودی نشناسند که نقطه‌ی مقابل نظارت اجتماعی، خانوادگی و سرمایه اجتماعی است، که این منجر به خودکشی آنومی یا بی‌هنجاری می‌شود. بنابراین طبق نظریه دورکیم، آنومی موجب تخلیه سرمایه اجتماعی می‌شود؛ زیرا اولاً، اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که هنجارها محکم باشد و افراد بتوانند رفتارهای یکدیگر را پیشبینی کنند؛ از سوی دیگر، در محیط عاری از اعتماد، اگر سطوح مشارکت و شبکه‌های روابط کاهش پیدا کنند امری قابل انتظار است. آنومی اجتماعی باعث کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش خشونت از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها می‌شود. تعهد قوی به نظم هنجاری باعث افزایش اعتماد متقابل شده و در نتیجه کنشهای متقابل شکل گرفته و از هنجارها تبعیت خواهد شد. بر عکس، وقتی مردم به همدیگر شک و تردید داشته باشند، نسبت به قدرت هنجارها بطور معکوس نمی‌توان اعتماد کرد.

فوکویاما

فوکویاما معتقد است، احتمال تولید اثرات منفی توسط سرمایه اجتماعی بیش از دو شکل سرمایه فیزیکی (اسلحه‌ها) و سرمایه انسانی (شکنجه) است، چرا که اغلب همبستگی گروهی در اجتماعات انسانی به قیمت خصومت علیه اعضای برون‌گروهی ایجاد می‌شود. هر چه شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی بیشتر است (فیلد، ۲۰۰۳: ۷۳). به نظر او، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را از طریق وجود برخی از پدیده‌های اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی و موارد مشابه به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۶۵). از منظری دیگر، وی معتقد است که خصوصیات سرمایه اجتماعی مثل اعتماد، سلسله‌مراتب، سازکارهای بسیار رسمی دیوانسالاری و ارتباطات می‌تواند در گروه‌های تبهکاری نیز وجود داشته باشد (همان: ۸۳).

پاتنام

در نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی درون گروهی، هویت های انحصاری تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می شود، اما سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می آورد (همان). هر چند آثار بیرونی مثبت سرمایه اجتماعی بیشتر در این نوع متحمل است، اما سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده ضمن اینکه موجب همبستگی در میان اعضای گروه می شود، ممکن است با ایجاد وفاداری های قوی درون گروهی موجب ضدیت های برون گروهی نیز بشود. بنابراین آثار بیرونی منفی، بیشتر احتمال دارد در این نوع سرمایه اجتماعی بروز یابد. اگر چه در بیشتر شرایط هر دو نوع سرمایه می توانند تاثیرات قوی و مثبت

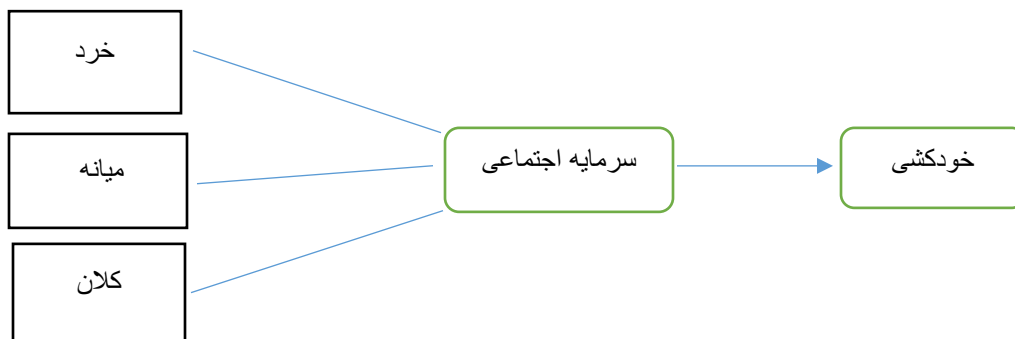
اجتماعی به دنبال داشته باشند، اما در صورت ضعف سرمایه اجتماعی اتصالی، یعنی ضعف ارتباط گروه ها و بخش های مختلف با یکدیگر، انسجام اجتماعی جامعه در معرض خطر بوده و می تواند در برخی موارد موجب از هم گسیختگی جامعه گردد. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی اندک می تواند میزان جرم را پیش بینی کند (توسلی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۷).

۳-۳- فرضیات تحقیق

فرضیات مقاله بر اساس چارچوب نظری، که بنیان نظری تحقیق محسوب می شود استنتاج شده است. فرآیند فرضیه سازی بر اساس اصول روش شناختی زیر صورت گرفته :

الف. فرضیه به عنوان راه حل تئوریک مسئله و پاسخ نظری به سوال علمی از چارچوب نظری استنتاج شده است. ب. در استنتاج فرضیات از منطق تبیین قیاسی- قانونی استفاده شده است. ۳. در فرضیه سازی از منطق ابطال پذیری تبعیت شده است

۱. میزان تغییرات خودکشی در ایران با تغییرات در سرمایه اجتماعی همراه است؛ به گونه ای که، هر چه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد میزان خودکشی کم تر می شود.



فصل سوم

چارچوب روش شناختی

در این فصل ابتدا مفاهیم تعریف عملیاتی شده اند، سپس روش پژوهش، واحد تحلیل و اعتبار پژوهش مشخص شده است.

۱-۳- تعریف مفاهیم پژوهش

در تعریف نظری متغیرها، صفاتی جستجو و برگزیده می شوند که به وسیله ی آنها بتوان فضای مفهومی متغیر را تعیین و مشخص نمود. در تعریف متغیرها توجه به دو نکته ضروری است؛ یکی اینکه فضای مفهومی آن به طور پایدار تثبیت شود تا همه ی افراد تحت آن واژه یک مطلب را بفهمند و امکان تغییر مفهوم و تعبیر گوناگون آن وجود نداشته باشد، دیگر اینکه تعریف باید به گونه ای دقیق باشد که بتوان آن واژه را به سادگی بررسی نمود، یعنی صفات و اصطلاحاتی که برای تعریف واژه به کار برده می شوند، خود دقیقا تعریف شده باشند، تا امکان بررسی تجربی فراهم گردد (رفیع پور، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

سرمایه اجتماعی خرد: سرمایه اجتماعی در سطح خرد، با کم و کیف روابط و بده بستان بین کنشگران، اعتماد بین شخصی و تعمیم یافته، زندگی انجمنی مبتنی بر مشارکت، در حوزه های: اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، پنداشت از وجود و حضور ارزش های اخلاقی و هنجارها در حیات اجتماعی و زندگی روزمره و احساس امنیت و رضایت تعریف می شود (غفاری و همکاران، ۸: ۱۳۹۳).

میانگین سرمایه اجتماعی خرد بر حسب استان			استان
۱۳۸۴	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۲,۵۸	۲۴,۴۹۷۴	۲۷۷,۴۱	آذربایجان غربی
۲,۵۶	۲۵,۶۴۰۱	۲۶۰,۷۴	آذربایجان شرقی
۲,۶۶	۲۴,۵۴۹۰	۲۷۳,۷۳	اردبیل
۲,۵۹	۲۴,۴۹۳۹	۲۷۲,۶۱	اصفهان
	۲۳,۶۲۵۰	۲۶۰,۴۵	البرز
۲,۶۶	۲۶,۴۰۶۹	۲۶۷,۳۵	ایلام
۲,۵۸	۲۷,۲۱۰۸	۲۷۲,۵۹	بوشهر
۲,۵۳	۲۴,۴۸۳۴	۲۷۰,۳۳	تهران
۲,۶۲	۲۵,۱۰۰۴	۲۷۰,۸	چهارمحال و بختیاری
۲,۶	۲۵,۴۹۷۹	۳۰۰,۰۲	خراسان جنوبی
۲,۵۵	۲۴,۴۱۵۶	۲۶۹,۶	خراسان رضوی
۲,۶	۲۶,۰۷۵۳	۲۸۲,۴۴	خراسان شمالی
۲,۶۱	۲۴,۶۴۸۴	۲۸۸,۵۵	خوزستان
۲,۶	۲۶,۲۶۱۸	۲۶۴,۶۸	زنجان
۲,۶۲	۲۶,۱۳۶۶	۲۸۲,۱۹	سمنان
۲,۶۹	۲۵,۱۹۳۲	۲۷۷,۰۴	سیستان و بلوچستان

۲,۵۳	۲۶,۹۳۳۲	۲۶۵,۷۳	فارس
۲,۵۳	۲۴,۳۱۳۱	۲۷۲,۲۴	قزوین
۲,۵۹	۲۶,۷۴۰۰	۲۷۸,۶۱	قم
۲,۵۵	۲۴,۲۴۶۷	۲۵۴,۹۴	کردستان
۲,۶۳	۲۵,۱۸۱۲	۲۶۱,۹۴	کرمان
۲,۵۶	۲۴,۷۹۷۸	۲۶۴,۸۷	کرمانشاه
۲,۶	۲۵,۹۱۷۷	۲۷۸,۱۱	کهگیلویه و بویراحمد
۲,۶۴	۲۵,۷۷۳۳	۲۹۳,۲۲	گلستان
۲,۵۹	۲۵,۰۲۷۳	۳۰۲,۷۹	گیلان
۲,۷۹	۲۵,۳۴۸۴	۳۰۶,۶	لرستان
۲,۶۶	۲۴,۸۴۵۸	۲۶۹,۵۲	مازندران
۲,۴۲	۲۳,۸۴۲۷	۲۶۳,۷۲	مرکزی
۲,۶	۲۶,۳۶۹۷	۲۸۱,۱۸	هرمزگان
۲,۶۱	۲۵,۲۱۳۳	۲۵۴,۸	همدان
۲,۵۶	۲۷,۰۵۶۶	۲۷۷,۷	یزد
۲,۵۹	۲۵,۲۲۹۸	۲۷۴,۱	کل کشور

سرمایه اجتماعی میانه: سرمایه سازمان ها و گروه ها آن دلالت بر ترکیبی از اعتماد آحاد مردم به سازمان ها و عملکرد و کیفیت خدمات ارائه شده و نیز پنداشتی که آن ها از سازماندهی وظیفه شناسی و تعهد، شایستگی و کردانی نیروهای این سازمان ها در حوزه های چهارگانه: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند (همان).

سرمایه اجتماعی در سطح میانی

سرمایه اجتماعی در سطح میانی حاصل ترکیبی از اعتماد آحاد مردم به چگونگی سازماندهی، وظیفه شناسی و تعهد، شایستگی و کردانی نیروهای سازمانی و کیفیت خدمات ارائه شده مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. یعنی:

+ وظیفه‌شناسی و تعهد مدیران ارشد+ سازماندهی درست] * [اعتماد به] = سرمایه اجتماعی در سطح میانی

+ وظیفه‌شناسی و تعهد کارمندان+ شایستگی و کاردانی مدیران ارشد

[کیفیت خدمات در حال و گذشته+ شایستگی و کاردانی کارمندان

شاخص های سنجش سرمایه اجتماعی سطح میانی

۱- اعتماد نهادی به سازمان ها و نهادها:

۲- باور به کاردانی و وظیفه‌شناسی مدیران ارشد و کارمندان

۳- اعتماد به عملکرد و کیفیت ارائه خدمات سازمان ها و نهادها

۴- اعتماد به توان و تخصص گروه‌ها (اعتماد تعمیم یافته)

سرمایه اجتماعی کلان: سرمایه سازمان ها و گروه ها آن دلالت بر ترکیبی از اعتماد آحاد مردم به سازمان ها و عملکرد و کیفیت خدمات ارائه شده و نیز پنداشتی که آن ها از سازماندهی وظیفه شناسی و تعهد، شایستگی و کاردانی نیروهای این سازمان ها در حوزه ها چهارگانه: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند(همان).

سرمایه اجتماعی کلان در کل کشور، برحسب مراکز استان

سرمایه اجتماعی کلان با توجه به پنداشت افراد مورد بررسی نسبت به عملکرد کلان نظام و پنداشت نسبت به عملکرد نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد سنجش قرار گرفته است که در قالب انضمامی تر آن را به صورت رابطه زیر می‌باشد.

= پنداشت نسبت به عملکرد کلان نظام در مقوله‌های دوازده‌گانه)= سرمایه اجتماعی کلان

+ اعتیاد+ فقر+ جرم و جنایت + ناامنی + گرانی و تورم+ تبعیض و نابرابری+ مشکل بیکاری

+ (اجرای قانون+ ترافیک و حمل و نقل+ بهداشت + کمبود مسکن + بی‌بندوباری

+ (قوه قضائیه+ مجلس+ دولت= عملکرد نهادهای سیاسی)

+ (بازار= نهاد اقتصاد) + (مجموعه‌های دینی + خانواده= عملکرد نهادهای اجتماعی)

(حوزه‌های علوم دینی + دانشگاه= نهادهای فرهنگی)

سرمایه اجتماعی کلان از ترکیب دو مقوله پنداشت نسبت به عملکرد کلان و عملکرد نهادی مورد سنجش قرار گرفته است که برای سنجش سرمایه اجتماعی کلان از مجموعه‌ای از گویه‌های مربوط به پنداشت نسبت به عملکرد کلان و عملکرد نهادی استفاده شده

است که پس از محاسبه جمع ترکیبی (مجموع نمرات) و تقسیم جمع نمرات بر تعداد گویه‌ها نمره مربوط به سرمایه اجتماعی در سطح کلان محاسبه شده است. و سپس میانگین و میانه این نمره برای کل کشور و به تفکیک مراکز استانی محاسبه شده و بر مبنای میانگین مربوط به هر استان رتبه استانی محاسبه شده است.

سرمایه اجتماعی در سطح کلان (نهادها)

سرمایه اجتماعی در سطح کلان حاصل اعتماد عموم شهروندان به عملکرد و اهمیت نهادها در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه کل است. به این ترتیب می‌توان تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی را در سطح کلان به شکل زیر تدوین نمود:

[اعتماد به (عملکرد صحیح) نهاد] * [ارزش (اهمیت و ضرورت) نهاد] = سرمایه اجتماعی در سطح کلان

سپس در قالب هر کدام از نهادهای مربوط به چهار حوزه مطرح شده اصلی‌ترین نهادها مشخص شده‌اند.

شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی کلان:

۱- پنداشت نسبت به عملکرد کلان نظام در زمینه‌های

- بیکاری، تبعیض و نابرابری، گرانی و تورم، ناامنی، جرم و جنایت، فقر، اعتیاد، بی‌بندوباری، کمبود مسکن، بهداشت، ترافیک و حمل‌ونقل، اجرای قانون، ناامنی اقتصادی، فقر و نابرابری، رشد و توسعه اقتصادی و رشد اقتصاد دلالی

۲- پنداشت نسبت به عملکرد نهادی نظام (قوای سه‌گانه)

میانگین سرمایه اجتماعی کلان حسب استان			استان
۱۳۸۴	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۲,۶	۱۲,۹۸۵۳	۹۵,۹۹	آذربایجان غربی
۲,۶۹	۱۳,۸۴۳۲	۹۹,۸۹	آذربایجان شرقی
۲,۹۶	۱۳,۰۳۷۳	۸۹,۲۲	اردبیل
۲,۵۸	۱۱,۸۵۰۸	۸۷,۵۱	اصفهان
	۱۳,۰۰۹۵	۸۹,۵۳	البرز

۲,۷۸	۱۳,۳۰۸۶	۸۸,۷۶	ایلام
۲,۷۷	۱۳,۹۹۴۸	۱۰۰,۳۸	بوشهر
۲,۶۹	۱۲,۱۷۶۳	۹۳,۱۸	تهران
۲,۶۴	۱۲,۷۴۴۸	۹۴,۷۰	چهارمحال و بختیاری
۲,۶۱	۱۴,۰۳۴۶	۹۸,۱۶	خراسان جنوبی
۲,۶۳	۱۲,۲۲۴۰	۸۶,۶۸	خراسان رضوی
۲,۷۳	۱۴,۲۷۸۵	۹۱,۳۰	خراسان شمالی
۲,۵۵	۱۳,۳۱۶۷	۱۰۴,۰۱	خوزستان
۲,۷۳	۱۳,۷۰۷۰	۸۲,۷۶	زنجان
۲,۶۹	۱۳,۲۰۲۸	۸۹,۸۵	سمنان
۲,۷۱	۱۳,۴۹۲۰	۹۵,۴۲	سیستان و بلوچستان
۲,۵۷	۱۴,۶۶۱۸	۹۱,۹۴	فارس
۲,۷۲	۱۲,۵۲۶۰	۷۹,۶۸	قزوین
۲,۴۹	۱۴,۴۸۰۳	۸۹,۱۷	قم
۲,۷۳	۱۲,۲۴۶۷	۸۰	کردستان
۲,۶۴	۱۳,۱۱۸۷	۸۵,۰۲	کرمان
۲,۷۷	۱۳,۶۶۶۶	۸۳,۶۵	کرمانشاه
۲,۷۶	۱۳,۵۱۷۵	۸۹,۶۷	کهگیلویه و بویراحمد
۲,۹۴	۱۴,۴۱۵۰	۱۰۳,۰۵	گلستان
۲,۷۴	۱۲,۸۴۶۳	۱۰۰,۴۸	گیلان
۲,۸	۱۳,۵۴۰۳	۱۰۲,۵۶	لرستان
۲,۷۱	۱۲,۹۳۰۲	۷۹,۶۶	مازندران
۲,۵۲	۱۲,۳۱۴۹	۸۹,۳۵	مرکزی

۲,۵۳	۱۴,۱۳۲۰	۹۱,۲۹	هرمزگان
۲,۷۲	۱۳,۲۷۲۴	۸۵	همدان
۲,۵۸	۱۳,۱۹۱۲	۹۴,۱۵	یزد
۲,۶۸	۱۳,۱۷۸۲	۹۱,۵۴	کل کشور

سرمایه اجتماعی کل

با ترکیب سه سطح سرمایه اجتماعی خرد، میانی و کلان که در صفحات قبل به تفکیک از آنها بحث شد سرمایه اجتماعی کل به تفکیک استان‌های کشور محاسبه شده است.

میانگین سرمایه اجتماعی خرد بر حسب استان			استان
۱۳۸۴	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۲,۶۵	۲,۷۵۳۸	۲,۵۵	آذربایجان غربی
۲,۶۳	۲,۸۶۱۶	۲,۵۷	آذربایجان شرقی
۲,۷۵	۲,۷۸۰۱	۲,۴۷	اردبیل
۲,۶۳	۲,۶۴۲۵	۲,۲۵	اصفهان
	۲,۷۰۴۰	۲,۲۳	البرز
۲,۷	۲,۸۱۵۳	۲,۲۵	ایلام
۲,۶۹	۲,۹۶۴۰	۲,۷	بوشهر
۲,۶	۲,۶۵۰۶	۲,۴۷	تهران
۲,۶۳	۲,۷۶۷۷	۲,۴۴	چهارمحال و بختیاری
۲,۶۴	۲,۸۸۳۹	۲,۹۸	خراسان جنوبی

۲,۶۲	۲,۶۵۱۰	۲,۲۵	خراسان رضوی
۲,۶۷	۲,۹۳۹۸	۲,۶۴	خراسان شمالی
۲,۶۴	۲,۷۸۴۲	۲,۸۸	خوزستان
۲,۶۸	۲,۹۰۰۶	۲,۰۵	زنجان
۲,۶۷	۲,۸۳۳۷	۲,۵۳	سمنان
۲,۷	۲,۸۰۰۴	۲,۵۲	سیستان و بلوچستان
۲,۶۲	۳,۰۱۶۰	۲,۴۱	فارس
۲,۶۵	۲,۶۶۸۱	۲,۰۲	قزوین
۲,۶۲	۲,۹۶۲۶	۲,۲۸	قم
۲,۶۳	۲,۶۴۵۷	۱,۹۷	کردستان
۲,۶۷	۲,۷۶۹۵	۲,۱۴	کرمان
۲,۶۷	۲,۷۹۵۴	۱,۹۷	کرمانشاه
۲,۶۸	۲,۸۲۵۶	۲,۴۳	کهگیلویه و بویراحمد
۲,۷۶	۲,۹۳۵۸	۲,۹۷	گلستان
۲,۶۷	۲,۷۵۵۹	۳	گیلان
۲,۷۹	۲,۸۳۱۰	۳,۱۵	لرستان
۲,۶۹	۲,۷۵۷۳	۲,۰۶	مازندران
۲,۵۶	۲,۶۷۳۶	۲,۳۹	مرکزی
۲,۶۲	۲,۹۳۲۲	۲,۶۱	هرمزگان
۲,۶۹	۲,۸۳۷۴	۲,۱۰	همدان
۲,۶۴	۲,۸۵۲۳	۲,۵۴	یزد
۲,۶۶	۲,۷۸۹۳	۲,۴۵	کل کشور

خودکشی: خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت خود قربانی است، به عبارتی تلاش و اقدام آگاهانه به منظور خاتمه دادن به زندگی شخص توسط خودش است (سالنامه آماری، ۱۳۹۳).

میزان متوفیات مشکوک به خودکشی			استان
۱۳۸۴	۱۳۹۳	۱۳۹۶	
۴/۹۸	۳/۸	۳/۳	آذربایجان غربی
۵/۸۴	۴/۹	۶/۸	آذربایجان شرقی
۶/۰۵	۵/۵	۶/۶	اردبیل
۳/۸	۴/۷	۴/۲	اصفهان
	۶/۴	۵/۵	البرز
۱۸/۷۷	۱۸/۶	۱۳/۸	ایلام
۴/۲۷	۴/۵	۵/۸	بوشهر
۲/۶۷	۴/۲	۵/۹	تهران
۴/۳۱	۵	۶/۶	چهارمحال و بختیاری
۳/۶	۲/۴	۲/۲	خراسان جنوبی
۲/۷۷	۲/۹	۳/۱	خراسان رضوی
۴/۳۸	۳/۴	۴/۵	خراسان شمالی
۵/۳۶	۶/۱	۶/۴	خوزستان
۵/۶۲	۷/۴	۸/۲	زنجان
۲/۹	۱/۲	۲/۵	سمنان
۲/۳۲	۱/۸	۲/۲	سیستان و بلوچستان

فارس	۷/۱	۷/۵	۴/۵۲
قزوین	۶/۶	۳/۳	۴/۱۹
قم	۳/۶	۵/۴	۴
کردستان	۵/۹	۵/۷	۵/۵۱
کرمان	۴/۴	۳/۱	۳/۴
کرمانشاه	۱۱/۹	۱۷	۱۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱۳/۷	۸/۱	۵/۴۷
گلستان	۴/۹	۳/۷	۴/۴۴
گیلان	۸/۵	۷/۲	۴/۶۱
لرستان	۱۰/۴	۱۱/۲	۱۱/۳
مازندران	۶	۵/۵	۳/۹
مرکزی	۵/۷	۳/۵	۲/۸
هرمزگان	۲/۹	۳/۳	۲/۶۷
همدان	۸	۷/۲	۹/۵
یزد	۲/۷	۳/۷	۲/۹۵
کل کشور	۵/۷	۵/۳	۵/۳۵

۳-۲- روش پژوهش

روش در یک پژوهش علمی، نقش اساسی دارد و پژوهشگر را در نیل به حقیقت و گریز از خطایاری می دهد. دکارت روش را راهی می داند که به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود (ساروخانی، ۱۳۸۰؛ ۲۴). به طور کلی در علوم اجتماعی پژوهش با استفاده از دو رویکرد اصلی انجام می گیرد. یکی رویکرد کمی و دیگری رویکرد کیفی است. از آنجا که در این تحقیق محقق سعی در سنجش یک واقعیت عینی دارد روی متغیرها متمرکز است و از بیرون یک جریان اجتماعی را مطالعه می کند. رویکرد مقتضی آن رویکرد کمی است. این پژوهش از روش تحلیل آمارهای موجود با استفاده از روش کمی و تکنیک رگرسیون با استفاده از نرم افزار ایویوز صورت می گیرد و از آنجا داده های سرمایه اجتماعی و خودکشی در بازه های زمانی ۱۳۸۴، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶ استفاده می شود،

داده ها به صورت پانل است.. داده ها از مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، بخش های اقتصاد، آموزش، فرهنگ، امور قضایی، سالنامه های آماری پزشکی قانونی، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال و اسناد کشور اخذ شده است.

۳-۳- واحد تحلیل

واحد تحلیل نشانگر موضوعی است که متغیرهای ما صفت آن باشند . لذا در این پژوهش، استان و دوره زمانی واحد تحلیل ما را تشکیل می دهند. منظور از استان، ۳۱ استان کشور ایران است و منظور از دوره زمانی، سه دوره مجزا زمانی ۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ است.

۳-۴- واحد مشاهده

واحد مشاهده چیزی است که از آن سؤال می شود. در این پژوهش چون تحقیق کمی با استفاده از داده های ثانوی انجام می دهیم واحد مشاهده ما اسناد است. به همین منظور برای یافتن شواهد مرتبط با تعاریف عملیاتی به سالنامه ها و کتب رصدخانه ملی اجتماعی داده ها از مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، بخش های امور قضایی، سالنامه های آماری پزشکی قانونی، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال و اسناد کشور اخذ شده است رجوع شده است.

۳-۵- اعتبار و پایایی

داوری در باب صدق اعتبار دانش نظری و تجربی این متن نیازمند بحث انتقادی توسط صاحب نظران و اجتماع علمی است. دلالت معنایی مفاهیم موجود در دستگاه نظری این پژوهش مسبوق به فهم تفسیری مبتنی بر افق معرفتی ماست. دلالت های مصداقی آن مفاهیم زمینه مند و مبتنی بر واحد تحلیل که همان استان های کل کشور است.

منظور از پایایی، ویژگی تکرارپذیری اندازه گیری و ثبات در نتایج تحقیقات در صورت تکرار آن است. در این پژوهش تلاش شده است، مسئله پژوهش بر مبنای شواهد تجربی اثبات شود. دستگاه نظری این پژوهش از طریق مجموعه ای از فعالیت های طولانی مدت نگارنده، در این پژوهش و پژوهش های دیگر بر ساخته شود، سنجه های ابزار اندازه گیری بر مبنای معیار شرایط صدق آنها انتخاب شود، شواهد تجربی رجوع به منابع متعدد گردآوری و از طریق روش کمی تحلیل شود. با این حال معیار ابطال پذیری تئوری و خطا پذیری مشاهدات تجربی، یافته های این متن را محتاج انتقاد می کند. در پرتو این معیارها می توان گفت اگر پژوهشگران دیگر در پرتو دستگاه نظری پژوهش حاضر به منابع داده های این متن رجوع کند و یا روش تحلیل این پژوهش، میزان متوفیات خودکشی در ایران را در واحدهای تحلیل و مشاهده این پژوهش تحلیل کنند. شاید نتیجه علمی مشابهی تولید کنند در هر شرایطی نتیجه علمی امر مطلق نیست و امکان ابطال آن وجود دارد.

فصل چہارم

تحلیل تجربی

منابع فارسی :

- دواس، دی. ای (۱۳۸۲). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی، تهران؛ نشر نی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). روش های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد اول، تهران: موسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰). کندوکاوها و پنداشته ها. چاپ یازدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رضایی، اکبر، علیوردی نیا، اوپیر، احمد، فریبرز ۸۵۳۰، تحلیل جامعه شناختی گرایش دانشجویان نسبت به خودکشی فصلنامه، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره)پیاپی ۱۱.
- اسلامی بناب، سید رضا (۱۳۸۸)، بررسی امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تبریز.
- اسلام نسب، بجنوردی (۱۳۷۱)، بحران خودکشی، تهران: نشر فردوس.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، خودکشی، ترجمه نادر سالار زاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، **مجله جامعه‌شناسی**، شماره ۲۲: ۳-۴۴.
- عنبری، موسی، بهرامی، اردشیری (۱۳۸۹). « بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی» **مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران**، س اول، ش ۲، ص ۱-۲۹.

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری برای سال مورد بررسی در مطالعه (۱۳۹۳).

موسی نژاد، علی (۱۳۸۹). « زنان و خودکشی به سوی مدلی جهت تبیین خودکشی زنان ایلام» مجموعه مقالات ملی همایش خودکشی، علل و پیامدها و راهکارها، انتشارات جامعه شناسان، ص ۱۰۱-۱۰۹.

جمشیدیها، غلامرضا، قلی پور، سیاوش (۱۳۸۹). « مدرنیته و خودکشی زنان و دختران لک» بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره اول.

سفیری، خدیجه؛ رضایی نسب، زهرا (۱۳۹۵). مطالعه کیفی از پدیده خودسوزی زنان شهر ایلام، فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه، دوره ۷، شماره: ۱۲۳-۱۴۱.

رضائیان، محسن (۱۳۹۶). مروری روایی بر اپیدمیولوژی مذهب با تاکید بر رفتار خودکشی، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان: شماره ۱۶: ۸۶۹-۸۸۲.

احمدی، وکیل؛ رضایی، انیس (۱۳۹۴). بررسی پیش رسی ازدواج در استان های کشور طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، فصلنامه جمعیت، شماره ۹۳ و ۹۴: ۸۱-۹۴.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، سمت، ۱۳۸۷، چاپ دوم، ص ۱۳۹-۱۴۰.

استونز، راب؛ متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، مهرداد میردامادی، تهران، مرکز، ۱۳۸۸، چاپ ششم، ص ۸۱.

کورز، لوئیس؛ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۸۸، چاپ پانزدهم، ص ۱۹۴-۱۹۳.

نصرالهی، زهرا، لطفی، عزت‌اللهی، هنردوست، عطیه (۱۳۹۲). عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر گرایش به خودکشی در زنان شهرنشین کشور طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۸۸، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲: ۳۷۷-۳۹۲.

علی وردی نیا، ا.، و رضایی، ا.، و پیرو، ف. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه شناختی گرایش دانشجویان به خودکشی. جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، ۴(۲۲) (پیاپی ۴۴)، ۱-۱۸.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۱۵۵۸۶۳>

معیدفر، سعید، حسن‌پناه، حسین. (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی موثر بر خودکشی جوانان استان کردستان، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۳)، ۱-۱۸.

موسوی، سیدیعقوب و افضل، معصومه، ۱۳۹۵، بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و الگوی خودکشی آنومیک در میان زنان اقدام کننده به خودکشی، پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، ۵۲۶۶۰۸. <https://civilica.com/doc/۵۲۶۶۰۸>.

منابع لاتین:

۲۰۱۶. "Suicide rates Data by country". World Health Organization

<https://cdn.mashreghnews.ir/d/۲۰۲۰/۰۲/۱۶/۴/۲۷۱۸۴۲۴.jpg>

Durkheim, E. (1897) *Suicide: A study in sociology*. New York: The free press. pp 142-149.

McManis, J. (1981). *Death and enlightenment changing attitude to among charistain and unbelievers ineighnten*.

Fernquist, R. and Cutright, J. (1998) *social integration and standardized suicide rate in 21 development countries*. *Social science research* 109-127.

Stack, Steven (1987) *Effect of femal Participation in the labore force on suicidei A Time Analyze* (1988- 1980) *sociology fourm*. vol. 2. spring Pp. 207-277 Easy in Journal.